



کاروان شکوهمند صلح در شصت کشور جهان توده ای ها در کنار آزادی خواهان و صلح دوستان جهان، در ده ها تظاهرات و راه پیمایی برای صلح شرکت کردند

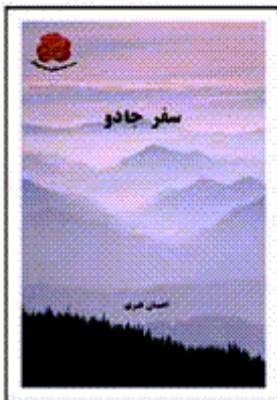
ادامه در صفحه ۴ و ۵



شماره ۶۵۴، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۲۹ بهمن ماه ۱۳۸۱

سمت گیری اقتصادی - اجتماعی کنونی به سود چه کسانی است؟

در صفحه ۳



بر روی شبکه جهانی اینترنت منتشر شد!

کتاب شهیدان توده ای از
سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷
کتاب جدید "سفر جادو"
مجموعه بی از داستان های
زنده یاد رفیق احسان
طبری
مجله "دنیا" شماره های
۵۰۴، آذرماه ۱۳۸۱

انتخابات شوراها و نیروهای ملی - مذهبی

شماری از شخصیت های ملی - مذهبی با انتشار بیانیه بی
نظرات خود را درباره انتخابات شوراها اعلام کردند. در این
اعلامیه از جمله آمده است:

«هم میهنان!

در ادامه تلاشهای پرمخاطره چندین سال گذشته برای
افزایش قدرت نظارت مردمی بر ساختارهای نظام سیاسی و
اهتمام به بازگرداندن قدرت حاکمیت به مردم، اکنون برای
دومین مرتبه، در مقطع انتخابات شوراها قرار گرفته ایم. ما با
اعتقاد راسخ به این که سرانجام پیروزی از آن مردم است ...
انتظار آن بود که مجموعه نیروهای مشارکت کننده در
نخستین شوراها پس از انقلاب خصوصاً احزاب درون
حاکمیتی که برنده اصلی انتخابات بودند، در آستانه
انتخابات و تشکیل دومین دوره شوراها، ارزیابی نظری -
عملی از چگونگی و کیفیت مشارکت خویش و خاص تر از
آن، جمع بندی شفاف از تجربه چهارساله شوراها ارائه دهند
و با این رویکرد زمینه ای جدی برای انجام اصلاحات قانونی
و اجرایی در مسیر تثبیت موقعیت و افزایش کارایی شوراها
فراهم آورند. اما با تأسف تمام نه تنها تحلیل تجربی و نقادانه

ادامه در صفحه ۲

ایران در بیست و چهارمین سال پس از پیروزی انقلاب مردمی بهمن ۵۷

رهبری آیت الله خمینی از همان آغاز تلاش کردند با
اعلام اینکه انقلاب ایران يك «انقلاب اسلامی» است
آن را انقلابی در راستای پیاده کردن يك حکومت
اسلامی در ایران معرفی کنند. بر اساس چنین
دیدگاهی خواست نهایی انقلاب نه آزادی، استقلال
و عدالت اجتماعی، آن طور که در شعارهای مردم
بازتاب می یافت، بلکه استقرار حکومت اسلامی در
ایران بود. خمینی بارها در سخنرانی ها گوناگون
خود بر این نکته تأکید کرد که مردم ایران برای اسلام
انقلاب کردند و نه چیزی دیگر. چنین ادعایی
همخوانی با واقعیات ایران در آستانه انقلاب ندارد.
طرح شعارهایی همچون «آزادی، استقلال و عدالت
اجتماعی» از سوی توده های میلیونی شرکت کننده
در انقلاب نشانگر ماهیت عمیقاً ملی و همچنین
دموکراتیک انقلابی است که در میهن ما رخ داد.
پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ و سرنگونی رژیم
شاهنشاهی نخستین مرحله پیروزی انقلاب، یعنی
مرحله سیاسی آن بود. با این پیروزی، کلان سرمایه
داری وابسته که تمامی ارگان های حاکمیت را در
اختیار داشت، سرنگون شد و به جای آن ائتلافی از
سرمایه داری تجاری، سرمایه داری ملی (نماینده
بخش های کوچک و متوسط سرمایه داری صنعتی)
و خرده بورژوازی، حاکمیت سیاسی جامعه را به

بیست و دوم بهمن ماه امسال مصادف بود با
بیست و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب مردم
ایران. بیست و چهار سال پیش میلیون ها ایرانی
پس از مبارزه بی طولانی، قهرمانانه و خونین رژیم
ستم شاهی را سرنگون کردند و با امید برپایی
ایرانی آزاد و دموکراتیک سکان رهبری انقلاب را
در اختیار کسانی گذاشتند که اهدافشان با خواست
های اساسی انقلاب در زمینه استقرار آزادی،
استقلال و جمهوریت متکی بر خواست و آرای
مردم فرسنگ ها فاصله داشت.

انقلاب بهمن ۵۷ جنبش عظیمی بود که
اکثریت مردم کشور ما را از طبقات گوناگون با
خواست ها و دیدگاه های متفاوت به حرکت
درآورد و یکی از مهمترین پایگاه های سرمایه بین
المللی و ارتجاع در منطقه خاورمیانه را درهم
کوبید. شرکت اکثریت مردم و نیروهای سیاسی
کشور از حزب ما تا نیروهای مذهبی نشانگر
خصلت عمیقاً خلقی انقلاب و توان عظیم
اجتماعی آن بود. انقلاب ایران برپایه تضادهای
درونی و بیرونی جامعه، که عمده ترین آن تضاد
میان همه خلق ها با امپریالیسم در خارج و رژیم
دست نشانده سلطنتی که سرمایه داران وابسته و
زمین داران بزرگ پایگاه های اصلی آن را تشکیل
می دادند، شکل گرفت. نیروهای مذهبی به

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه انتخابات شوراها و نیروهای ملی-مذهبی ...

احزاب باید آزاد باشند

به گزارش پایگاه اینترنتی رویداد آیت الله منتظری در دیدار با جمعی از جوانان جنبه مشارکت در زمینه تحزب و ضرورت آزادی احزاب از جمله گفت: «در ایران باید تحزب سیاسی پذیرفته شود. تحزب باعث امر به معروف و نهی از منکر می شود، تحزب وظیفه شرعی است، اگر بخواهیم امر به معروف و نهی از منکر را گسترش بدهیم بنابر وجوب مقدمه، تحزب واجب می شود.» منتظری افزود: «تحزب سیاسی هم یک واجب شرعی و هم واجب عقلی است. اگر می خواهید از قلدری نجات پیدا کنید باید تحزب را بپذیریم. قرار نیست که احزاب به یکدیگر اهانت کنند اگر می خواهید جامعه اسلامی شود و از دست دیکتاتوری ها راحت شود بدون سر و صدا و توهین، حقایق و واقعیات را بنویسید همان طور که آقای خمینی در پاریس می گفتند کمونیست ها هم آزاد هستند...» آیت الله منتظری با اشاره به ضرورت تخصص گرایی در امر اداره جامعه تأکید کرد: «فقیه فوق بشر نیست، تنها عادل است که نظرش متبع است و سیاست و اقتصاد را باید به کسان دیگر واگذار کند.»

نظرات آیت الله منتظری که در عین حال تکرار برخی از قول های رهبری انقلاب در سال های ۵۷ و ۵۸ است نه تنها در میهن ما تحقق نیافت بلکه همان طوری که آیت الله منتظری نیز به آن اشاره کرده است جای خود را به سرکوب حقوق و آزادی های دموکراتیک و بستن و تلاش در راه نابودی احزاب داد. جسارت در بیان و دفاع از حقوق و آزادی های دموکراتیک پدیده مثبتی است که باید از آن استقبال کرد.

این اظهار نظر برخورد منتقدانه با آن نظراتی است که آزادی و تحزب را تنها برای «خودی» ها قبول دارد و در مقابل زندان، شکنجه و اعدام دگراندیشان از «سر مصلحت طلبی» سکوت اختیار می کند.

دیکتاتوری ولایت فقیه به روایت

ولی فقیه

بر اساس گزارش پایگاه اینترنتی امروز هفته نامه حریم در شماره ۲۸ بهمن ماه نوشت «در استفنا از مقام رهبری: کلمه ولایت مطلقه در عصر پیامبر اکرم (ص) به این معنا استعمال شده است که اگر رسول اکرم (ص)، شخصی را به انجام کاری امر کنند، انجام آن حتی اگر از سختترین کارها هم باشد، بر آن فرد واجب است. به طور مثال اگر پیامبر (ص) به کسی دستور خودکشی بدهند، آن فرد باید خود را به قتل برساند. سوال این است که آیا ولایت مطلقه فقیه در عصر ما با توجه به این که پیامبر اکرم (ص) معصوم بودند، و در این زمان ولی معصوم وجود ندارد، به همان معنای عصر پیامبر (ص) است؟»

پاسخ: مراد از ولایت مطلقه فقیه جامع شرایط این است که دین حنیف اسلام (که آخرین دین آسمانی است و تا روز

نسبت به عملکرد چهارساله عرضه نشد، که همان نیروها مجدداً با رویکردی کاملاً سیاسی - تبلیغاتی و بدون ارائه جمع بندی به افکار عمومی، به عرصه وارد شده و تنها با گوشزد "خطر راست"، مردم را به مشارکت جدی در انتخابات اسفند ماه دعوت می کنند...» بیانیه سپس با اشاره به نقاط قوت و ضعف شوراها در زمینه کاستی های شوراها در نخستین دوره می نویسد: «نارسایی های قانونی؛ قانون شوراها در واقع برآیند کشمکش دو گرایش عمده است؛ یکی تمایل به مشارکت و کسب حقوق شهروندی و دیگری گرایش به تسلط حوزه قدرت و کنترل بی کم و کاست بر دیگر حوزه ها، خصوصاً حوزه عمومی؛ در مجموع این دوگانگی می تواند به سود دیدگاهی که شورا را به عنوان زیرمجموعه ای از قوه مجریه قرار می دهد، سوق یابد؛ نداشتن نقش در نظام برنامه ریزی ملی؛ شوراها نقش زیادی در نظام برنامه ریزی ملی توسعه نداشته اند و در نتیجه امکان تأثیرگذاری بر سیاست های کلان اجتماعی - اقتصادی کشور، بویژه سیاست هایی که بر توسعه شهرها و روستاها اثرات مستقیمی دارند، از آنها سلب شده است...»

بیانیه در ادامه ضمن انتقاد از عملکرد شورای شهر تهران اضافه می کند: «اعتقاد نیروهای ملی - مذهبی در حمایت از ایجاد و تقویت نهاد شورا در ایران است. بنابراین ما، هم از منظر تاریخی و هم در چارچوب منافع ملی و هم از منظر فکری، رشد و نهادینه شدن شوراهای اسلامی شهر و روستا را در میهن استبدادزده، در مسیر منافع مردم و تحقق مشارکت آنها در امور اجتماعی خویش، ضروری تلقی می کنیم. شوراها در پی انتظار تاریخی بس طولانی، تشکیل و سیر آزمون و خطا پیموده است. این سیر به طور طبیعی آثار مثبت و منفی خود را بر ملا و به عنوان تجربه ای عینی پیش روی ماست. تأسیس شوراها تحقق یافته است اما پاگیری و ماندگاری آن مهمتر است خاصه در سرزمینی که پدیده های نوپا از عمر طولانی و به قاعده محرومند و به خیل تجارب کوتاه، بریده و قطع شده می پیوندند. شوراهای نو تأسیس برتر از صورت ظاهر به محتوا نیازمندند؛ به اعتقاد ما استراتژی همه نیروهای اصلاح طلب باید تلاش به منظور حداکثر بهره برداری از ظرفیت های قانون اساسی در مورد شوراها برای تحقق توسعه اجتماعی و مشارکت عمومی توسط شوراها در جوامع محلی می باشد. به این منظور موارد زیر محل توجه خواهد بود: - انتقال اختیارات از حوره مرکزی قدرت به شوراها به عنوان قدرتهای محلی - تبدیل جایگاه شوراها از نهاد مشورتی به نهاد تصمیم گیر - ناظر - تشکیل زنجیره سراسری شوراها شامل شوراهای شهر و روستا و نهادهای پایین دست (شورای محلات) و بالادست (شوراهای بخش، شهر، شهرستان و عالی استان) آنها - تلاش برای ایجاد نقش مؤثر شوراها در نظام برنامه ریزی ملی توسعه - اقدام برای گسترش اختیارات شوراها در برنامه ریزی توسعه جوامع محلی - تلاش برای گسترش دامنه فعالیت شوراها به حیطه های فقرزدایی، اشتغال، یکپارچگی اجتماعی، مسائل زنان و کودکان، آموزش، بهداشت، مسکن و... برای چنین چارچوبی، وحدت لازم میان شکل و محتوای شوراها برقرار می شود و شوراها مستقل از قدرت و تمایلات درون آن، به حیات خود ادامه داده به بستری برای توسعه اجتماعی تبدیل خواهند شد.»

بیانیه در نتیجه گیری خود می نویسد: «ما با حفظ ارزیابی نقادانه خود از عملکرد چهارساله شوراها و نقد جناحهای درون حاکمیت در مواجهه با شوراها که یکی به دنبال ناکامی و نافرجامی شورا و دیگری بی اعتنا به ضرورت تغییر و تبدیل جایگاه شوراها و فزونی حوزه اختیارات آن است، با تأکید بر تقویت نهاد شورا در ایران، در انتخابات آتی شوراها مشارکت کرده و به هموطنان توصیه می کنیم برای ماندگاری این نهاد در انتخابات حضور یافته و از نامزدهایی که دارای ویژگی های زیر هستند حمایت کنند:

- درک سیاسی از شرایط بحرانی و پیچیده کنونی ایران
- جهت گیری مشخص عدالت طلبانه و مشارکت جویانه اجتماعی
- توان کارشناسی و تخصصی در حوزه مدیریت و برنامه ریزی شهری
- برخورداری از سلامت مالی و اعتماد عمومی به امید خداوند ما در اطلاعیه بعدی فهرست نامزدهای مورد حمایت خود را اعلام خواهیم کرد. حمید حراری - محمد بسته نگار - محمد بهزادی - مسعود پدارام - حبیب الله پیمان - مجید تولایی - سعید درودی - علیرضا رجایی - تقی رحمانی - حسین رفیعی - رضا رئیس طوسی - احمد زیدآبادی - عزت الله سبحانی - حسین شاه حسینی - هدی صابر - اعظم طالقانی - امیر طیرانی - رضا علیجانی - شهین علوی - محمود عمرانی - مهدی غنی - مرتضی کاظمیان - فاطمه گورابی - محمد محمدی اردهالی - سعید مدنی - مرضیه مرتاضی لنگرودی - وحید میرزاده - حمید نوحی.

سمت گیری اقتصادی-اجتماعی کنونی به سود چه کسانی است؟

محسن نوریبخش، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی، در جریان چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی بانک مرکزی که اواسط آذرماه سال جاری خورشیدی برگزار شد، با ارائه گزارشی، به بررسی تحولات اقتصادی کشور در سال ۸۰ پرداخت و عملکرد رژیم ولایت فقیه در این زمینه را "متعادل و مثبت" ارزیابی کرد. وی در بخشی از گزارش مذکور خاطر نشان ساخت: "تأمین نقدینگی لازم در بخشهای مولدو تأمین مالی بودجه دولت، کنترل رشد نقدینگی و مهار تورم (!) از مهمترین اهداف سیاستهای پولی و اعتباری بود. ... رشد نقدینگی در سطح ۲۸/۸ بوده و از میزان بدهی خارجی کشور ۶ میلیارد و ۷۸۵ میلیون دلار پرداخت گردیده...."

بنا به این ادعا، و آن چنانکه نوریبخش می گوید، علت اصلی کامیابی های دولت پایبندی آن به برنامه اصلاح ساختاری است که، محتوای آن را خصوصی سازی، آزادسازی تجاری و جلب سرمایه خارجی تشکیل می دهد. تأکید و تأکید بر لزوم اجرای اصلاح ساختار اقتصادی یعنی برنامه یی که، از سوی صندوق بین المللی پول به جمهوری اسلامی دیکته شده است، منحصر به نوریبخش و گردانندگان بانک مرکزی نیست، بلکه در لایحه بودجه کل کشور برای سال ۸۲ نیز، همین اهداف به عنوان مهمترین و اصلی ترین سیاستها مورد توجه قرار گرفته اند. محمد خاتمی هنگام تقدیم لایحه بودجه سال آینده به مجلس شورای اسلامی، آن را چنین توصیف کرد: "لایحه بودجه سند تلاش دولت برای پیشبرد اصلاحات است." در سخنان خاتمی در مجلس هنگام دفاع از لایحه بودجه سال ۸۲، چند نکته به عنوان محورهای اساسی مورد اشاره قرار گرفت که عبارتند از: تقویت بخش خصوصی با اعطای تسهیلات ارزی و ریالی ویژه و ارزان؛ به مرحله اجراسانیدن قانون حمایت از سرمایه گذاری خارجی به صورت فاینانس و B.O.T (یعنی ساخت، اجرا و انتقال) در بخش های پُر اهمیت اقتصاد ملی نظیر نیرو، راه و ترابری، نفت، گاز و پتروشیمی و امور صنعتی؛ آزادسازی تجاری؛ کمک به گسترش اشتغال از طریق معافیت، حق بیمه کارفرمایی و اجرای طرح حذف کارگاههای ۱۰ نفره و کمتر از شمول قانون کار و بطور کلی تداوم مجموعه سیاستهای اقتصادی-اجتماعی در چارچوب اصلاح ساختار اقتصادی یا دستور العمل صندوق بین المللی پول! به دنبال ارائه لایحه بودجه سال ۸۲ خورشیدی و گزارش رسمی رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی و پافشاری و تبلیغات پُرسروصدای مقامات ریز و درشت درباره فواید و دستاوردهای خصوصی سازی و آزادسازی تجاری، اخبار و گزارشات متعددی مبنی بر خصوصی شدن بانک ها، خصوصی سازی در صنایع نفت و صنعت بیمه و جز اینها در رسانه های همگانی بازتاب یافت.

به عنوان نمونه، در اواخر آذرماه، گزارش شد که، ۴ شرکت بیمه خصوصی تأسیس گردیده و دو شرکت دیگر در حال تأسیس است. معاون کل وزارت اقتصاد در این خصوص گفته بود: "واگذاری و خروج شرکت های بیمه البرز، آسیا و دانا از زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی در هیات واگذاری مورد بررسی قرار گرفته است ... راهکارهای هژده گانه اجرایی صنعت بیمه در راستای خصوصی سازی آماده شده است." علاوه بر این، در اوایل آذرماه امسال، معاون امور شرکتهای دولتی در وزارت اقتصاد اعلام داشت: "اجرای طرح های عمرانی دولت به بخش خصوصی واگذار خواهد شد و بخش خصوصی جایگزین دولت می گردد." به زعم وی بخش دولتی قادر به ایفای نقش مبتکرانه در اقتصاد نیست و باید اساس "تجربیات دوران معاصر" با خصوصی سازی جدی و گسترده و ایجاد فضای رقابتی طرح های عمرانی را به مرحله پایانی رساند. البته معاون وزیر اقتصاد به عمد اشاره نمی کند که این اصطلاح بخش دولتی و شرکتهای دولتی چگونه هستند و مالکیت آنها متعلق به کجاست؟! و آیا اصولاً مفهوم واقعی و شناخته شده دولتی بر آنها قابل اطلاق هست یا خیر؟ بر پایه آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران و نیز وزارت اقتصاد و امور دارایی، در حال حاضر بیش از ۲۲۰۰ شرکت دولتی و "عمومی"

در ایران وجود دارند که از این تعداد فقط تنها کمتر از ۱۰۰۰ شرکت دولتی با قانون محاسبات عمومی کل کشور تطبیق می کنند. ۴۸۰ شرکت در اختیار صندوق بازنشستگی و بیشتر در چنگ چندین صندوق قرض الحسنه هستند و بیش از ۵۰۰ شرکت توسط نهادهایی چون وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران و نهادهایی چون بنیاد پانزده خرداد، کمیته امداد خمینی و امثالهم اداره می شوند و در اختیار گردانندگان این نهادها قرار دارند.

بر پایه همین آمار رسمی، میزان سرمایه شرکتهای به اصطلاح دولتی، و در واقع متعلق به نهادهای رژیم واپس مانده ولایت فقیه و نهادهای انگلی، بیش از ۸۵ هزار میلیارد تومان است، و حجم دارایی های آنها نیز بالغ بر ۵۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می گردد. در این خصوص یادآوری بزرگترین معامله سال بورس تهران که چندین پیش رخ داد و یکی از همین نهادهای انگلی و غارتگر طرف اصلی معامله بود، خالی از فایده نیست. بنیاد جامعه زهرا (و یا به زبان رسمی رژیم ولایت فقیه جامعه الزهرا) در بازار بورس تهران، ۷۱ درصد از سهام شرکت سرمایه گذاری ملت را که به بانک ملت و شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی اختصاص داشت با نزدیک به ۲۲۵ میلیون سهم به ارزشی نزدیک به ۴۰ میلیارد تومان از طریق نماینده خود خریداری کرد. برخی روزنامه های مجاز تهران درباره این "معامله بزرگ" نوشتند: "بنیاد مذکور (جامعه زهرا) از سال ۷۸ حضور فعالی در بازار بورس دارد ... علاوه بر بنیاد جامعه زهرا، نهادهای خیریه مختلف در بورس مشغول معامله هستند که بنیاد خیریه فوادری یکی از عمده ترین آنها و رقیب جامعه زهرا است. اینکه منابع مالی این نهادهای خیریه برای خریدهایی که به بزرگترین خرید سال در بورس تبدیل می شوند، از کجا تأمین می شود، سوالی است که هنوز پاسخ مناسبی برای آن ارائه نشده است." یادآوری کنیم که، بنیاد جامعه زهرا با توجه به این خرید بزرگ، هم اکنون سهامدار و مالک اصلی شرکت قوه پارس، موتور زن و بزرگترین شرکتهای کاشی سازی ایران و نیز شرکت سرمایه گذاری ملت قملداد می شود! به این ترتیب مفهوم بخش دولتی در رژیم ولایت فقیه و حیطه عملکرد آن به خوبی آشکار می گردد. در همین زمینه، پس از خصوصی سازی صنعت بیمه و "روتق بازار بورس" و واگذاری طرح های عمرانی به بخش خصوصی، خبر تصویب آیین نامه خصوصی سازی همه بانکهای کشور اعلام شد. در اواسط دی ماه رسانه های همگانی گزارش دادند: "بر اساس مصوبه هیات دولت تمام بانکها به جز بانک ملی خصوصی خواهد شد." و در ادامه همین برنامه ها، در ۲۶ دی ماه، سخنگوی دولت خبر از اصلاح قانون تجارت به سود بازرگانان و شرکت های فعال بازرگانی داد. رمضان زاده در این باره یادآوری کرد: "با توجه به اینکه قانون تجارت فعلی جوابگوی نیازهای فعالیتهای تجاری روز نیست و نیازهای روبه رشد دنیای کنونی در روابط تجاری را هم پاسخگو نمی باشد اصلاح این قانون در دستور کار قرار دارد ..."

در کنار خصوصی سازی، جلب و جذب سرمایه خارجی، همچنین باید به استقراض خارجی به شکلی کاملاً غیر اصولی و به شدت زیان بار اشاره کرد. به تاریخ ۱۰ دی ماه امسال، معاون سازمان مدیریت و برنامه ریزی در مصاحبه یی خاطر نشان کرد: "درآمدهای فعلی جوابگوی نیازهای اقتصادی کشور نیست و برای توسعه کشور نیازمند استفاده از وام های خارجی هستیم، در لایحه بودجه سال آینده (۸۲) برای تکمیل طرح های نیمه تمام، علاوه بر ۲ میلیارد دلار استقراض خارجی، ۶/۸ میلیارد دلار نیز به صورت فاینانس از منابع خارجی استقراض می شود." وی در ادامه افزود: "با برداشت هایی که از ذخیره ارزی-حساب ذخیره ارزی-شده، دیگر پولی در این حساب باقی نمانده است." فراموش نکرده ایم که، یکی از اصلی ترین اهداف ایجاد صندوق ذخیره ارزی و گشایش حساب ذخیره ارزی، اعطای تسهیلات وام ارزان برای تقویت بخش خصوصی بود. اینکه این پرسش مطرح می شود که چگونه و چرا در این حساب استراتژیک دیگر پولی باقی نمانده و بخش خصوصی غیر مولد و دلال، تسهیلات و وام های ارزان را به چه کارهایی اختصاص داده است؟!

سخنان و آمارهای ارائه شده از سوی مقام ارشد سازمان مدیریت و



تظاهرات نیم میلیونی مردم در برلین

کاروان شکوهمند صلح در

شصت کشور جهان

میلیون ها انسان صلح دوست و ترقی خواه بر ضد

جنگ و جنگ طلبی راه پیمایی کردند

رسانه های گروهی جهان، این تظاهرات پر شکوه

جهانی را بی سابقه و تاریخی نامیدند

عنوان نماد جنگ به صدا درمی آمد گوش فرا دادند و سیاست های جنگ طلبانه دولت بوش را به شدت محکوم کردند.

❖ در فرانسه، صدها هزار مبارز صلح دوست در بیست شهر این کشور به راه پیمایی بر ضد جنگ پرداختند. در شهر پاریس بیش از سیصد هزار نفر از نمایندگان اتحادیه های کارگری، سازمان های سیاسی و اجتماعی و انسان های صلح دوست به طرف "پلا دلا باستیل" حرکت کردند و با شعارهای ما "با جنگ برای نفت مخالفیم" مخالفت قاطع شان را با جنگ اعلام کردند.

❖ شهرهای گوناگون آلمان شاهد تظاهرات گسترده صلح بود. در برلین بیش از نیم میلیون نفر از شهروندان، نیروهای سیاسی و آزادی خواه در راه پیمایی شکوهمندی مخالفت سرسختانه خود را با سیاست دولت بوش و تونی بلر اعلام کردند.

❖ در اسپانیا، بیش از دو میلیون نفر در شهرهای گوناگون این کشور، از جمله بارسلون، سویل و مادرید، بر ضد جنگ و سیاست های حمایت جویانه دولت اسپانیا از بوش دست به راه پیمایی زدند. در مادرید بیش از ۶۰۰ هزار نفر با حمل پلاکاردهای گوناگون مخالفت سرسختانه خود را با جنگ اعلام کردند و با افشای سیاست های برتری طلبانه امپریالیسم آمریکا برای تصاحب منابع نفتی منطقه، خواهان تشدید مبارزه بر ضد سیاست های جنگ طلبانه بوش بر ضد عراق شدند.

❖ در استرالیا، تظاهرات گوناگونی در شهرهای کانبرا، سیدنی و ملبورن دست به راه پیمایی زدند. به گفته پلیس این کشور، در بزرگ ترین تظاهرات استرالیا در سال های پس از جنگ ویتنام، بیش از ۲۵۰ هزار نفر در ملبورن اعتراض شدید خود را بر ضد سیاست های دولت دست راستی این کشور و همکاری آن با دولت بوش اعلام کردند.



تظاهرات پر شکوه مردم پاریس

قلب های تپنده، دست های گرم و سرهای پرشور، دریای خروشان انسان های صلح دوست و آزادی خواه، زن، مرد، جوان، نوجوان و سالمند، در کنار هم، دست در دست، با پرچم های سرخ، سبز و زرد، از هر سو گرد آمدند و صفحات غرور آفرینی از تاریخ جنبش های مردمی را رقم زدند.

انسان های صلح دوست، آزادی خواه و منجز از جنگ و جنگ طلبی، در یک حرکت تاریخی، در صدها شهر جهان، دست به راه پیمایی و اعتراض برضد سیاست های جنگ طلبانه هیئت های حاکمه آمریکا و بریتانیا زدند، و فریاد رسای زنده باد صلح شهرهای عمده اروپا، آمریکا و دیگر کشورهای جهان را فرا گرفت. در لندن، به گزارش روزنامه "ساندی تایمز" بزرگترین تظاهرات تاریخ این کشور با شرکت بیش از یک و نیم میلیون نفر بر ضد جنگ و سیاست های دولت تونی بلر برگزار شد. روزنامه "اوبزروور" در گزارشی از تظاهرات نوشت: "یک میلیون نفر جمع شده بودند و انبوه انسان ها هنوز از گوشه و کنار می آمدند." تونی بلر هراسناک از خشم توده ها به شهر گلاسکو در اسکاتلند و کنفرانس ملی حزب کارگر پناه برده بود، ولی در آنجا هم فریاد خشم توده ها سالن کنفرانس را می لرزاند. بیش از ۶۰ هزار نفر از نیروهای مترقی و صلح دوست اسکاتلند در جلو سالن کنفرانس تونی بلر جمع شده بودند و نفرت و انزجار خود را از سیاست های دولت او و خصوصاً دنباله روی بی چون و چرای دولت انگلستان از سیاست های دولت بوش اعلام کردند. بر اساس گزارش همین روزنامه، در تظاهرات تاریخی لندن، بیش از ۴۵۰ سازمان اجتماعی، احزاب سیاسی و اتحادیه های کارگری در کنار هم راه پیمایی کردند.

❖ در نیویورک، بیش از ۱۰۰ هزار نفر از نیروهای صلح دوست این کشور، زیر فشار شدید تبلیغاتی رسانه های گروهی امپریالیستی، بر ضد سیاست های ارتجاعی و جنگ طلبانه دولت بوش، در نزدیکی مقر سازمان ملل متحد گرد آمدند. در این تظاهرات، افزون بر احزاب سیاسی، اتحادیه های کارگری و نیروهای مترقی، شخصیت های اجتماعی و هنری نیز حضور نیرومندی داشتند. اسقف توتو، شخصیت برجسته مبارزات بر ضد رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی، در سخنرانی در مقابل ۱۰۰ هزار جمعیت حاضر، ضمن محکوم کردن سیاست های جنگ طلبانه بوش، از جمله اعلام کرد که "هیچ دلیل اخلاقی و انسانی برای آغاز جنگ وجود ندارد" او گفت "انهایی که مدافع این جنگ هستند باید بدانند که این "جنگ بر خلاف اخلاقیات است".

❖ در رم، دو میلیون انسان ترقی خواه، در جبهه ائتلافی احزاب بر ضد حاکمیت فاسد و مرتجع برلسکونی (معروف به ائتلاف رنگین کمان) در راه پیمایی شکوهمندی مخالفت شدید و قاطع خود را با سیاست های جنگ طلبانه دولت این کشور اعلام کردند. تظاهر کنندگان که در صفوف نخست آن، شخصیت های سیاسی و اجتماعی کشور و از جمله شخصیت های مشهور سینمای ایتالیا، روبرتو بنینی و نانیا مورتی قرار داشتند، پرچم های صلح خود را به شکل نمادین بر فراز کالوسئوم (استادیوم مشهور رم باستان که در آن هزاران گلادیاتور وحشیانه کشته شده بودند) برافراشتند. تظاهر کنندگان در سکوت به آژیر حمله هوایی که به

ادامه کاروان با شکوه صلح ...

❖ در کشورهای آمریکای لاتین، از جمله در کوبا و برزیل نیز ده ها هزار تن از نیروهای ترقی خواه در تظاهرات پرشکوهِی در دفاع از صلح به خیابانها آمدند.

❖ در کشورهای سوئد، دانمارک، فنلاند و شهرهای کشورهای اروپای شمالی نیز ده ها هزار تن از نیروهای ترقی خواه و صلح دوست در کنار هم به تظاهرات بر ضد جنگ پرداختند و مخالفت خود را با دولت بوش و سیاست های آن اعلام کردند.

❖ در کشورهای آسیایی، در تایلند، اندونزی، مالزی، سنگاپور و کره ده ها هزار تن از نیروهای صلح دوست، کارگران و زحمت کشان، بر ضد سیاست های جنگ طلبانه آمریکا دست به اعتراض زدند.

❖ در خاورمیانه، در کشورهای مختلف، راه پیمایی های گسترده یی برگزار شد. در دمشق، پایتخت سوریه، صد ها هزار تن از مردم دمشق، نیروهای سیاسی و اجتماعی این کشور، دست به راه پیمایی زدند و شعار می دادند "محور شیطانی: آمریکا، بریتانیا و اسرائیل"

❖ در تل آویو، پایتخت اسرائیل، و بررغم همه فشارهای دولت دست راستی و ارتجاعی شارون، هزاران عرب و یهودی اسرائیلی در کنار هم بر ضد سیاست های جنگ طلبانه و برای صلح دست به راه پیمایی زدند.

❖ در ترکیه ده ها هزار تن تظاهر کنندگان بر ضد جنگ و مخالفت با سیاست های دولت ترکیه در حمایت از آمریکا، با پلیس درگیر شدند و ده ها تن در جریان این زدو خوردها زخمی شدند.

❖ در آتن، پایتخت یونان نیز ده ها هزار تن به تظاهرات بر ضد جنگ پرداختند و با شعار "جنگ نه، صلح آری" و "جنگ آمریکا برای نفت منطقه است" مخالفت شدید خود را با سیاست های جنگ طلبانه آمریکا و دولت این کشور اعلام کردند.

رققا، هواداران و دوستان حزب توده ایران، در ده ها شهر جهان، در کنار سایر نیروهای مترقی در تظاهرات گوناگون صلح شرکت کردند.

از نکات جالب این حرکت های اعتراضی در شهرهای گوناگون جهان، شرکت قشرهای وسیع مردم و نیروهای سیاسی بود. کمونیست ها، اتحادیه های کارگری، در کنار سبزها، سوسیالیست ها و سوسیال دموکرات ها و صد ها هزار انسانی که برای نخستین بار در چنین حرکت های اعتراضی شرکت می کردند، در زیر شعارهای واحد، سیاست های جنگ طلبانه آمریکا و تلاش هیئت حاکمه این کشور بر حاکم کردن نظامیگری در روابط بین المللی را قاطعانه محکوم کردند و اعلام کردند که مصمم اند در راه حفظ صلح مبارزه خود را تشدید کنند. از نکات جالب دیگر این تظاهرات میلیونی توده ها در کشورهای



تظاهرات مردم سوریه در دمشق



تظاهرات صلح دوستان و ترقی خواهان در نیویورک

مختلف، حمایت وسیع مردم از مبارزه خلق قهرمان فلسطین برای آزادی و رهایی از زنجیرهای اشغال نظامی دولت تجاوز کار اسرائیل بود.

تظاهرات روز ۲۵ بهمن ماه ۱۳۸۱ (۱۵ فوریه سال ۲۰۰۳) حرکتی در ابعاد تاریخی و جهانی است که می توان آن را نقطه عطفی در جنبش اوج گیرنده جهانی بر ضد سیاست های نظامی گرانه و برتری طلبانه امپریالیسم در گوشه و کنار جهان ارزیابی کرد. نقش موثر و تعیین کننده کمونیست ها و نیروهای کارگری در این حرکت جهانی، بی شک دست آورد گرانقدری است که برپایه درس های آن باید حرکت های بعدی را سازمان دهی کرد.

ادامه دیکتاتوری ولایت فقیه به روایت ...

قیامت استمرار دارد) دین حکومت و اداره امور جامعه است لذا طبقات جامعه اسلامی ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر هستند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمین حفظ نماید و از نظام جامعه اسلامی پاسداری نموده و عدالت را در آن برقرار و از ظلم و تعدی قوی بر ضعیف جلوگیری نماید و وسایل پیشرفت و شکوفایی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را تامین کند. این کار در مرحله اجرا ممکن است با مطامع و منافع و آزادی بعضی از اشخاص منافات داشته باشد.

حاکم مسلمان پس از این که وظیفه خطیر رهبری را طبق موازین شرعی به عهده گرفت، باید در هر مورد که لازم بداند تصمیمات مقتضی را براساس فقه اسلامی اتخاذ کند و دستورات لازم را صادر نماید.

تصمیمات و اختیارات ولی فقیه در مواردی که مربوط به مصالح عمومی اسلام و مسلمین است، در صورت تعارض با اراده و اختیار مردم، بر اختیارات و تصمیمات آحاد ملت، مقدم و حاکم است و این توضیح مختصری درباره ولایت مطلقه است.

پاسخ خامنه ای تعریف روشن دیکتاتوری مطلق و قرون وسطایی است که بر اساس آن یک فرد می تواند به «نام خدا» در تعارض با خواست ها و اراده مردم تصمیم گیری کند و در هر زمینه یی که لازم دانست دستور دهد و تصمیم بگیرد. این ساختار و این برداشت روشن از ولایت مطلقه در تضاد آشکار و آشتی ناپذیر با خواست حکومت متکی بر آرای مردم و حرکت به سمت جامعه مدنی قرار دارد.

ادامه ایران در بیست و چهارمین سالگرد انقلاب ...

دست گرفت. تنها نیروهایی که از همان ابتدا کوچکترین نقشی در حاکمیت نداشتند، طبقه کارگر، زحمتکشان شهر و روستا و نمایندگان سیاسی آنها بودند. توازن این ائتلاف از همان نخست با خرده بورژوازی شرکت کننده در این ائتلاف بود، که از بخش سنتی جامعه ما و بعضاً عقب مانده ترین و از نظر بینشی ارتجاعی ترین بخش آن بود. این خرده بورژوازی نماینده گرایش های واپس گرایانه مذهبی جامعه بود و بخش های عمده ای از روحانیتی که پس از انقلاب حاکمیت را قبضه کرد، نماینده این قشرها از جامعه بود. از ویژگی های فکری این گروه تجر فکری، مخالفت با آزادی و حقوق دموکراتیک، زن ستیزی و "پان اسلامیسیم" شدید بود. مهمترین برنامه خمینی و طرفداران او پیاده کردن «کامل احکام اسلام» بود که با خواست مردم شرکت کننده و نیروهای ملی و مترقی همخوانی نداشت. سران رژیم ولایت فقیه در روزهای اخیر در سخنرانی های گوناگون در زمینه دست آوردهای بیست و چهار سال رژیم حاکم اظهار نظرهایی کرده اند که در تضاد و تباین جدی با واقعیات تاریخی است. در بررسی حوادث سال های انقلاب و بیست و چهار سال گذشته انبوه بی از اسناد و مدارک غیر قابل انکار وجود دارد که به روشنی پرده از روی دروغ پردازی های سران کنونی رژیم بر می دارد. واقعیت تاریخی این است که با پشت کردن روحانیت حاکم به آرمان های آزادی خواهانه، استقلال جوانه و عدالت طلبانه توده های عظیم مردمی که در انقلاب بهمن ۵۷ شرکت کرده و فداکاری های شگرفی از خود نشان داده بودند، بار دیگر استبداد در میهن ما استقرار یافت و بار دیگر اقلیتی کوچک از بزرگ سرمایه داران، کلان سرمایه داری تجاری و سرمایه داری بوروکراتیک نوین، رشد یافته در درون دستگاه اداری فاسد جدید، به غارت منافع ده ها میلیون ایرانی مشغول شد.

تاریخ بیست و چهار سال گذشته نشان می دهد که خمینی و نزدیکان او برخلاف تمامی قول هایی که در جریان انقلاب و خصوصاً ماه های نخست انقلاب به مردم دادند نه تنها به سمت استقرار یک حاکمیت متکی به آرای مردم حرکت نکردند، بلکه با عمده کردن و تحمیل "اسلام" به عنوان رهنمای نظام برآمده از انقلاب راه پیشرفت انقلاب و فرا روی آن به یک انقلاب اجتماعی را سد کردند و انقلاب پس از طی پیروزمند مرحله سیاسی اش که سرنگونی رژیم ستم شاهی بود از مسیر خود منحرف و فاجعه کنونی در میهن ما پایه ریزی شد. رهبرای رژیم برای تحقق برنامه های ارتجاعی و ضد مردمی شان آن چنان موجی از خشونت و سرکوبگری را در جامعه حاکم کردند که حتی شماری از رهبران درجه اول مذهبی و مراجع تقلید یا به زندان و گوشه نشینی محکوم شدند و یا با انواع دسیسه ها از سر راه برداشته شدند. کشتار هزاران انسان دگراندیش، زندانیان سیاسی ۲۵ سال زندانی کشیده در دوران شاه، نویسندگان، مترجمان و اندیشمندان فرهیخته و شکنجه و آزار هزاران زندانی سیاسی و تحمیل عقایر قرون وسطایی زن ستیزانه بر میهن ما کارنامه سیاه کاری سران رژیمی است که با غضب رهبری انقلاب مردم میهن ما امکانی تاریخی یگانه بی را به نابودی کشاندند.

سیمای فاجعه بار امروزین جامعه ما روشن تر از آن است که کسی بتواند درباره آن به راحتی دروغ پردازی کند. میلیون ها جوان بیکار، اقتصاد ورشکسته و بیمار، فشار دهشتناک اقتصادی بر ده ها میلیون ایرانی که حتی قادر به تأمین یک زندگی حداقل برای خود نیستند، ناهنجاری های گسترده اجتماعی، از جمله اعتیاد و فحشا که زاینده سیاست های خائمان برانداز رژیم کنونی است، ورشکستگی اقتصادی، از جمله نابودی و بسته شدن بخش های وسیعی از تولید در کنار حاکمیت یک رژیم قرون وسطایی، عمیقاً سرکوبگر و ضد مردمی کارنامه بیست و چهار سال کسانی است که تلاش می کنند با تکرار شعار های پوچ و دروغین برای حاکمیت شان مشروعیتی دست و پا کنند. سران رژیم کنونی خوب می دانند که در دادگاه افکار عمومی مردم ما سال هاست که به دلیل پشت کردن به آرمان های والای انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و وضعیت فاجعه بار کنونی محکوم شده اند. همه پرسای های سال های اخیر از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ تا انتخابات ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ و هر گاه که مردم کوچکترین روزنه بی در زمینه بیان خواست های خود داشته اند سران حاکمیت با شکست های سنگینی روبه رو شده اند و از این روست که تلاش می کنند با تشدید جو سرکوب و خفقان و با خفه کردن خواست های جنبش مردمی و اصلاح طلبی زمینه را برای ادامه حاکمیت خود فراهم کنند.

ادامه سمت گیری اقتصادی - اجتماعی کنونی ...

برنامه ریزی، در نقطه مقابل ارزیابی و گزارش محسن نوربخش قرار دارد که عملکرد رژیم در عرصه اقتصادی را متعادل و مثبت عنوان ساخته بود! علاوه بر همه اینها، در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، شرکتها و انحصارات فراملی به برکت "رژیم ولایت فقیه و سیاستهای ضد ملی آن با تمام توان مشغول چپاول اند و دم به دم طرح ها و پروژه های "نان و آب دار" به آنها پیشکش می گردد! بنابه گزارش روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران، شرکت های برتیش پترولیوم، شل و توتال برای دستیابی به قرارداد توسعه میدان نفتی بنگستان، در ناحیه اهواز، رقابت می کنند. میزان ذخایر قابل برداشت این میدان نفتی که از بزرگترین میادین منطقه حوزه خلیج فارس است، حداقل ۲۵۰ هزار بشکه در روز برای سالیان متمادی است. شرکت های او ام روی اتریش، و سپس از اسپانیا، نیز برای حضور در توسعه میدان نفتی چشمه خوش مشغول مذاکره هستند. میدان نفتی چشمه خوش که دارای لایه های غنی گاز هم است، دارای ذخیره قابل تولید تا روزانه ۴۰ هزار بشکه نفت است که در طول سالهای طولانی می توان از آن بهره برداری کرد. در منطقه گازی پارس جنوبی نیز، در آبهای خلیج فارس، به تازگی علاوه بر گاز، لایه های غنی نفت در بخش ایران، شناسایی و کشف شد و به همین علت توجه انحصارات امپریالیستی را به خود جلب کرده است. "شرکت نفت و گاز پارس" (دقت شود، یک شرکت نیمه دولتی یا خصوصی ونه شرکت ملی نفت ایران) اعلام کرد مذاکره نهایی با شرکتهای انگلیسی، فرانسوی و ایتالیایی در حال انجام است و شرکتهای انگلیسی مناقصه مربوط به لایه های نفت در فازهای مختلف پارس جنوبی را برنده شده اند. در دیگر فازها، استات اوپل نروژ، سنتوز استرالیا و آجیب ایتالیا به فعالیت مشغول خواهند شد. از سوی دیگر، مدیر عامل شرکت نفتا، یک شرکت مجهول ایرانی، گفته است: شرکت شل (هلند، انگلیسی) و شرکتهای متعدد انگلیسی از جمله بریتیش پترولیوم و بریتیش گاز، قراردادهای مربوط به ساخت سکوهای حفاری در فازهای ۶-۷-۸ پارس جنوبی را به دست آورده اند. لازم به تذکر است که این قراردادها با وزارت نفت نیست، و مطابق با آن، شرکتهای خارجی در مالکیت میدانهای نفت و گاز سهیم می گردند. و این امر با اصل قانون ملی شدن صنعت نفت مغایر بوده و ناقض حق حاکمیت و مالکیت ایران بر منابع طبیعی خود است.

به دنبال چنین حضور گسترده و نفوذ ژرفی است که برخی کشورهای اتحادیه اروپا، به ویژه انگلستان، به گسترش روابط بازرگانی خود با رژیم ولایت فقیه پرداخته اند. از جمله دولت حزب کارگر به رهبری تونی بلر اعلام داشت که، لندن صدور برخی اقلام را از فهرست تحریم عرضه کالاهای دو منظوره (نظامی و غیر نظامی) به جمهوری اسلامی، خارج ساخته است و این محصولات به ایران ارسال می شود. و یا سوئد و بلژیک، که شرکتهای بیمه آنها نرخ خطرپذیری سرمایه در ایران را کاهش داده اند، و این امر به معنای حضور بیشتر و بیشتر انحصارات فراملی در حیات اقتصادی و لاجرم سیاسی ایران است. کوتاه سخن، سمت گیری اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه به همان درجه که مورد حمایت و پشتیبانی کشورهای سرمایه داری و انحصارات امپریالیستی است، با مخالفت و تفر مردم به ویژه کارگران، زحمتکشان و سایر قشرهای میانه حال جامعه روبه رو است. پیامدهای ناشی از این سمت گیری ضد مردمی و ضد ملی اندک نیست، ما در اینجا با یک فاجعه به معنی واقعی کلمه مواجه هستیم.

پیامدهایی فوق العاده تلخ و ناگوار که فقر، تکدیگری، انحطاط اجتماعی-فرهنگی-اخلاقی، رشد بزهکاری، فحشا و اعتیاد و افزایش جمعیت حاشیه نشین غرق در تنگدستی، از آن جمله اند. سمت گیری اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه که از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی دیکته شده، به سود طبقات استثمارگر و یک لایه نازک انگلی جامعه و به طور کلی ارتجاع ایران است و به زبان طیف گسترده مردم محروم و زحمتکش.

بیانیه مشترک احزاب کمونیستی و کارگری و چپ جنگ تجاوزگرانه بر ضد عراق را متوقف کنید!

احزاب کمونیست - کارگری جهان، در پاسخ به ابتکار حزب کمونیست مورواویا و بوهمایا (جمهوری چک)، حمایت بی سابقه و همه جانبه خود را از بیانیه بی در مخالفت فعال با جنگ و پیوستن به جنبش صلح اعلام کردند. حزب توده ایران فعالانه در شکل گیری این ابتکار شرکت کرد.

بیانیه مشترک احزاب کمونیستی و کارگری و چپ جنگ تجاوزگرانه بر ضد عراق را متوقف کنید!

با تشدید تدارک برای آغاز يك جنگ امپریالیستی از سوی ایالات متحده و انگلستان، که ناتو نیز در گردهمایی خود در نوامبر تصمیم به حمایت از آن گرفت، جهان در موقعیتی بحرانی قرار گرفته است. ظرفیت نظامی گسترده پایگاه های آمریکا در اروپا، در جهت شرکت در این جنگ، فعال شده است. تدارکاتی که برای این جنگ تجاوزگرانه صورت می گیرد، منجر به نقض قانون اساسی، قوانین و معاهده های بین المللی کشورهای مشخصی شده است. در روزهای اخیر، دولت ایالات متحده از متحدان خود، از طریق ناتو، خواستار تسهیلات اضافه ای در قلمرو های آنان و شرکت نظامی در "اشغال عراق" شده است. نباید هیچ گونه تردیدی داشت که در رابطه با تدارک برای جنگ، از پیش، و بدون توجه به قطعنامه ۱۴۴۱ سازمان ملل و فعالیت های هیئت بازرسی سازمان ملل و بدون توجه به اقداماتی که از سوی عراق برای گردن نهادن به خواسته های سازمان ملل انجام گرفته، تصمیم گرفته شده است.

این به طور فزاینده ای مشخص شده است که، جنگ طراحی شده، هدف نظامی کسب کنترل يك منطقه استراتژیک از نظر نفت و بازارها را دنبال خواهد کرد. به طور همزمان، این جنگ کوششی از سوی دولت ایالات متحده آمریکا برای غلبه کردن بر بحران اقتصادی و حل مشکلات خود به هزینه دیگران است. این جنگ همچنین به تلفات عظیمی در بین مردم عراق که تا کنون مشقات عدیده ای را به سبب سال ها تحریم اقتصادی، حملات هوایی و سیاست های رژیم صدام متحمل شده اند، منجر خواهد شد. جنگ بر ضد عراق، که با بازرسان سازمان ملل همکاری کرده است، در جهت پیشبرد اهداف نظامی ایالات متحده در خاور نزدیک بوده، و در کنتراست مشخص با حمایت ایالات متحده از دولت اسرائیل و مدارای آن با اشغال سرکوبگرانه سرزمین های فلسطینی است. تهاجم بر ضد عراق، که پایه در دکتربین جدید ایالات متحده در رابطه با حملات پیشگیرانه "pre-emptive"، "دارد، تمامی منطقه را به بی ثباتی تهدید می کند و عواقب خطرناکی را برای تمدن بشری در تمامیت خود خواهد داشت. این جنگ خطر عظیمی را متوجه صلح جهانی و سیستم قانون بین المللی کرده و سابقه بی را برای عملیات مستبدانه با تهاجم و تجاوز را ایجاد می کند. هیچ توجیهی، هیچ گونه تردستی، نمی تواند به حمایت تحمیلی سازمان ملل برای چنین جنگی، قانونیت ببخشد.

ما برخورد دولتها و رهبری سیاسی آن کشورهایی از اتحادیه اروپا را که در برداشتن قدم های ضروری و یا انجام هرگونه کوشش جدی برای متوقف کردن این جنگ تجاوزگرانه قصور داشته اند، و لذا در عمل حامی سیاست طرفداری از جنگ ایالات متحده هستند، محکوم می کنیم.

تشنج بین المللی تشدید می شود، روابط بین المللی به سمت تحمیل نظامی گری پیش برده می شود، بودجه های نظامی افزایش یافته، "نیروهای واکنش سریع" در سطوح ملی، اتحادیه اروپا و ناتو، در حال تشکیل شدن هستند. از سوی دیگر، خطر جنگ به اعتراضات حق طلبانه ای در سراسر جهان منجر شده است. ما شاهد بسیج وسیع غیر قابل انتظار افکار عمومی بر ضد جنگ، بر ضد پایگاه های آمریکا و ناتو و بر ضد سیاست های تجاوزگرانه دولت ها هستیم. بسیاری از دولت ها و از جمله جنبش های آتانی که گرایش های سیاسی مشخصی ندارند، روشنفکران، هنرمندان، سیاستمداران و دیپلمات ها، خواستار يك راه حل دیپلماتیک و صلح آمیز برای این موضوع شده اند. احزاب ما، که تا کنون ابتکارات مختلفی را سازمان داده اند، نقش فعالی را در جنبش وسیع ضد جنگ ایفا کرده اند و در تلاش برای بسیج وسیع تر مردم اند. باید کارزار ضد جنگ را در میان مردم، در کارگاه ها، در اتحادیه های کارگری و در رسانه های گروهی، در پارلمان ها و هر جایی که فرصت آن هست تشدید کنیم.

ما باید جنگ تجاوزگرانه بر ضد عراق را متوقف کنیم. ما باید بر ضد کوشش هایی که توسط قدرت های بزرگ برای تهدید و باج گیری از سازمان ملل صورت می گیرد، اعلان خطر کنیم. ما باید با هر شکلی از حمایت کشور های اروپایی برای جنگ و یا شرکت در آن مخالفت کنیم. ما خواستار آن هستیم که کشورهای ما هیچ گونه امکانات نظامی و غیره را برای انجام اهداف تجاوزگرانه خود، در اختیار ایالات متحده قرار ندهند.

امضاء کنندگان بیانیه

آکل (حزب زحمتکشان ترقی) قبرس، حزب دموکراسی و سوسیالیسم الجزایر، حزب کمونیست بلغارستان، حزب کمونیست دانمارک، حزب کمونیست استرالیا، حزب کمونیست اتریش، حزب کمونیست بلاروس، حزب کمونیست بلژیک، حزب کمونیست بوهوم و مورواوی، حزب کمونیست انگلستان، حزب کمونیست کانادا، حزب کمونیست کاتالونیا، حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست دانمارک (مارکسیست - لنینیست)، حزب کمونیست فنلاند، حزب کمونیست آلمان، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست هندوستان، حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)، حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست - لنینیست)، حزب کمونیست ایرلند، حزب کمونیست اسرائیل، حزب کمونیست نروژ، حزب کمونیست خلق های اسپانیا، حزب کمونیست لهستان، حزب کمونیست فدراسیون روسیه، حزب کمونیست اسلوواکی، حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست سوئد، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست ترکیه، حزب کمونیست اوکراین، حزب کمونیست آمریکا، حزب کمونیست کارگری روسیه، اتحاد سبز-سرخ دانمارک، حزب کمونیست آلمان (د-ک-پ)، حزب کارگران مجارستان، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست اردن، حزب کمونیست جدید انگلستان، حزب کمونیست جدید هلند، حزب کمونیست جدید یوگوسلاوی، حزب کمونیست های بلوروس، حزب کمونیست رفونداسیون ایتالیا، حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان (پ. د. اس)، حزب کمونیست های ایتالیا، حزب کمونیست مکزیک، حزب کمونیست های یوگوسلاوی، حزب سوسیالیست مردمی مکزیک، حزب کمونیست پرتغال، حزب سوسیالیست رومانی، حزب سوسیالیست کارگری کروواسی، حزب سوسیالیست لاتویا، حزب کمونیست سودان، حرکت برای اتحاد و سوسیالیسم چاد، حزب توده ایران، جنبش اتحاد چپ لوکزامبورگ، اتحاد چپ اسپانیا، حزب کارگر بلژیک، شبکه کمونیستی ایتالیا، حزب کمونیست کارگری بوسنی و هرزگوین، حزب کارگر ایرلند، هماهنگی کمونیستی - فرانسه، مجمع کمونیستی اسرائیل اتحاد کمونیست های هلند و تعداد دیگری از ساختار های چپ کشور های اروپایی.

پوزش و تصحیح

مقاله "مبارزه برای آب، مبارزه بی برای حقوق بشر"، در شماره ۶۵۳ "نامه مردم"، با استفاده از مقاله منتشره در "هفته نامه جهان مردم"، ارگان حزب کمونیست آمریکا تهیه شده بود. قید این مطلب در صفحه بندی مقاله جا افتاده بود که بدینوسله با پوزش از خوانندگان عزیز تصحیح می گردد.

«آنها» در داووس، و «آینده سازان» در پورتوالگره!

چپ انگلیس به شمار می آید، در سخنان خود به نکته جالبی اشاره کرد: "مسئله بر سر آزاد کردن ملت عراق از دیکتاتوری نیست. آمریکائیان وقتی که پای نفت در میان باشد، هرگز دموکراسی را تحمل نکرده اند و نمی کنند. شاهد بارز امروزین تحولات ونزوئلا است." او افزود: "مسأله بی که همگان در اجلاس اجتماعی جهانی در باره آن متحد القول هستند این است که کسی باور ندارد که عراق امنیت جهانی را به خطر انداخته است. در حالیکه تنها کشوری که در منطقه خاورمیانه صاحب سلاح های انهدام جمعی است، اسرائیل است." در اجلاس پورتوالگره، برای اولین بار دو رئیس دولت شرکت داشتند. لولا، رئیس جمهور محبوب برزیل که در مسیر خود برای شرکت در اجلاس دوس به پورتوالگره آمده بود، گفت که تصمیم دارد به شرکت کنندگان اجلاس داووس بگوید که "بر روی سیاره ما امروز دیگر ممکن نیست که چند نفری روزی پنج بار غذا بخورند و بسیاری دیگر هر پنج روز یکبار." رهبر جنبش دهقانان بی زمین برزیل در اشاره به سخنان لولا گفت که "این تلف کردن وقت است." به اعتقاد او گردهمایی اجتماعی جهانی در پورتوالگره برای مقابله با اجلاس داووس به وجود آمد و اینکه سوداگران و سرمایه داران علاقه بی برای دگرگونی جهان در جهت "منافع زحمتکشان ندارند." به گزارش آژانس های خبری لولا متن سخنرانی خود در پورتوالگره را در اجلاس داووس خطاب به نخبگان سرمایه داری به طور کامل و بی هیچ گونه تغییری ایراد کرد.

لولا ضمن دفاع از صلح اظهار داشت که، بهتر آنست که منابع ثروت جهان به جای آنکه مصرف تسلیحات بشود، برای خرید مواد غذایی، برای مبارزه با گرسنگی در کشور های فقیر به کار رود، و در این زمینه، او به کوبا اشاره کرد که مدت چهار سال است که هدف تحریم اقتصادی و توطئه های ایالات متحده بوده است و گفت که ما نمی توانیم ادامه چنین وضعی را بپذیریم. لولا در پایان سخنرانی خود، با اشاره به ریشه خود در جنبش سندیکایی، و یاد آوری زمانی که کارگر فلزکار و سندیکالیست بود، تاکید کرد که، در همانجایی هستم که از آنجا آمده ام." اما چاوز، رئیس جمهوری ونزوئلا، در مدت یازده ساعتی که در پورتوالگره بود، خوش درخشید. او با مقامات محلی و بسیاری از شخصیت های جهانی حاضر در اجلاس ملاقات کرد، و به سئوالات جمعی از شرکت کنندگان در اجلاس پاسخ داد و از جمله اظهار داشت: "شما در اینجا و ما در ونزوئلا می کوشیم جایگزین دیگری به جای نولیبرالیسم که جهان را ویران می سازد، بیابیم."

نکته بسیار مهمی که باید در باره اجلاس پورتوالگره با تاکید فراوان به آن اشاره کرد، حضور چشمگیر جوانان بود. اکثریت يك صدهزار نفری را که در راه پیمایی های افتتاحیه و پایانی گردهمایی اجتماعی جهانی شرکت کرده بودند، جوانان تشکیل می دادند. و در این میان حضور جوانان آمریکایی و کانادایی چشمگیر بود. **آینده سازان با عزمی قوی به میدان آمده اند.**

سی و سومین اجلاس سالانه نخبگان سرمایه داری جهانی بر زمینه بی پر از اضطراب و دلهره در داووس، سوئیس، برگزار شد. اضطراب از اینکه هیچ گونه چشم اندازی برای بهبود اقتصاد سرمایه داری جهانی وجود ندارد و به عقیده کارشناسان درگیری نظامی در عراق ممکن است وخامت باز هم بیشتر شرایط اقتصادی را در پی داشته باشد. به گزارش آژانس خبری رویتر کلاوس شواب، بنیان گذار اجلاس سرمایه داران، در يك مصاحبه با روزنامه سوییسی "له تمپز" خاطر نشان کرد که "اجلاس" پس از سقوط دیوار برلین قربانی "يك شادی و شعف گنه آلود شده بود" و اینکه از این پس "تواضع به جای واژه ناخوش آیند نومیدی به ارزشی رشدیابنده مبدل می شود." او می تواند هر چه خواهد بگوید اما "تواضع" هیچ گاه جایگزین "نومیدی" دنیای سرمایه در رابطه با بحران های متوالی نمی شود. همچنین به گزارش همین خبرگزاری رئیس دولت فدرال سوئیس در نطق افتتاحیه اش، همین مطلب را چنین بیان داشت که شرکت کنندگان در اجلاس سالیانه "تاچندی پیش کمی ذوق زده و خودستا بودند" و پس از آن چنین نتیجه گیری کرد: "ما امروز نا امیدتر و بی رونق تر شده ایم و برای این امر دلایل زیادی وجود دارد."

و یا يك شخصیت اقتصاد دان وابسته به يك موسسه تحقیقاتی آمریکایی تاکید کرد که "دور نمای يك جنگ" و نتایج آن برای بازار نفت که در حال حاضر در شرایط بی ثباتی کامل است، تهدیدی جدی را در بر دارد. چنین تهدیدی بر يك سلسله از عدم اطمینان ها و عدم تعادل ها، یعنی سلسله افتضاح های ناشی از تقلبات افتضاح آمیز حسابسازی در کمپانی های عظیم آمریکایی نظیر انرون و ورلد کام، سقوط بازارهای بورس و ادامه کسری موازنه هنگفت و شگفت آور بودجه جاری آمریکا، تشدید می گردد.

در پی سال ۲۰۰۲ سالی که بیم و امید در آن موج می زد، بیم در جهان سرمایه داری و دولت های سرمایه داران و امید از سوی خلق های جهان که با کوشش و فقه ناپذیر خود برای حفظ صلح و ایجاد جهانی دیگر، به بسیج نیروها ادامه دادند. - دورنمای سال ۲۰۰۳ ملو از وحشت و نگرانی است. وحشت از جنگ، افزایش روز افزون بیکاری، ادامه و گسترش بحران های فراگیر، بی عدالتی هائیکه گسترده تر و فقری که هر روز افزون تر می شود.

برای بیرون کشیدن اقتصاد جهان از رکود، کارشناسان جهان همچنان به آمریکا چشم دوخته اند. ولیکن به باور تحلیل گران معتبر جهان امید چندان به غلبه قاطع بر بحران همه جانبه کنونی وجود ندارد. از جمله به باور کارشناسان موسسه مالی بین المللی مورگان استانیلی "اقتصاد آمریکا دچار مشکل است. هیچ يك از بخش های اقتصادی جهان نیز قادر بر سرپا ایستادن نیستند. رشد اقتصادی بسی فراتر از توان خود ضعیف باقی خواهد ماند."

اما در پورتوالگره فضای دیگری حکم فرما بود. فضای شادمان همراه با عزم جزم برای نبرد با نولیبرالیسم، برای ایجاد جهانی دیگر و بارز تر از همه فضای ضد جنگ. در حقیقت باید گفت که امر صلح مضمون اصلی اجلاس بود و این نیز دور از انتظار نبود. آنچه در پورتوالگره متظاهر شد، انعکاسی از مبارزه باشکوهی است که تمامی جهان را در خود گرفته است. مبارزه بر ضد تهدید صلح جهانی توسط آمریکا و شروع جنگی که تمام کره زمین را تهدید کرده و امنیت جهانیان را به خطر می افکند. جنبش ضد جنگ و پاسداری از صلح بیش از پیش گسترش می یابد و انسجام می پذیرد. تظاهرات عظیم ضد جنگ همه جای دنیا و از جمله کشورهای آمریکای شمالی از کانادا گرفته تا ایالات متحده و مکزیك را فرا گرفته است. در اجلاس پورتوالگره، شرکت کنندگان ملت رزمنده و زجر دیده فلسطین را از یاد نبردند. از جمله شعار هایی که در این زمینه داده می شد، این بود "تنگ و نفرت بر آنان که آدم می کشند. زنده باد مبارزه تھی دستان فلسطینی." طارق علی، نویسنده پاکستانی الاصل، که از چهره های رادیکال محافل روشنفکر

کمک های مالی رسیده

۱۰۰ یورو
۱۰۰ یورو
۴۰۰۰ کرون

به یاد رفیق شهید امیر نیک آئین
ر. عباس از فرانکفورت
الف. فنی از استکهلم

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 654
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

18 February 2003

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:
IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک